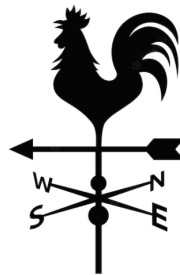


SUPER FORECASTING

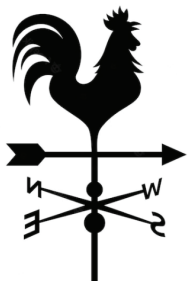


THE ART & SCIENCE OF PREDICTION

A manual for thinking clearly in an
uncertain world

**PHILIP TETLOCK &
DAN GARDENER**

Part 6



خلاصه کتاب

هنر پیش بینی

راهنمایی برای تفکری واضح در دنیای نامطمئن

فیلیپ تتلاک دن گاردن

قسمت ششم

قسمت ششم

در این قسمت می‌خوانیم:

چطوری میشه زوایای دید مختلف رو ترکیب کرد و نتیجه گرفت...

در قسمت قبل دیدیم که سوپرفورکسترها همه زوایا رو برای پیشبینی در نظر می‌گیرند و از روی یک ایده یا عقیده، نظر خودشون رو اعلام نمی‌کنند، یه نکته دیگه هم این کتاب میگه اونم اینه که بهتره که اول اون دیدگاهی رو که از نظر خودمون متفاوت و دور هست رو بررسی کنیم چون اگه اول بریم دنبال اینکه ببینیم نظر اولیه و احساس و برداشت اولیمون درست هست یا نه، احتمالش زیاد هست که بیفتیم در دام سوگیریهای شناختی و تاییدی و اونوقت فقط شواهدی رو ببینیم که نظرمون رو تایید میکنن؛ بهتره اول بریم سراغ سناریوهایی که به نظرمون خیلی بدیهی نیستن و سعی کنیم در ابتدا از این سناریوها سردر بیاریم.

برگردیم به مساله مرگ عرفات، با شرایط الان که چند سال زمان گذشته، چقدر احتمال داره که بقایای مسموم شدن رو بشه پیدا کرد؟ جواب چی هست! نمیدونیم و واقعاً راهی هم نداریم که بفهمیم اما میتونیم به پرونده‌های مشابه نگاه کنیم، میدونیم این احتمال بالای ۸۰ درصد نیست چون قبل از دفنش شواهدش پیدا نشده اما با این چیزی که ما در پرونده‌های مشابه میبینیم از ۲۰ درصد هم پایین‌تر نمیتونه باشه، حالا برمیگردیم به دیدگاه اول و وارد جزئیات بیشتر موضوع میشیم. هنوز در این زمان هم نمی‌خواهیم بریم دنبال این که کتابخونمونو پر کنیم از کتابهای گوناگون چون اگر همینجوری بریم در جنگلی پر از درخت گم میشیم، سرگردون و پراکنده نمیتونیم بریم همه جا رو نگاه کنیم و اطلاعات جمع کنیم، اطلاعات جمع کردنمون هم باید هدفمند باشه، یک سوپرفورکستر همینطور کورکورانه نمیزنه به دل جنگل، ادامه میده به کار خورد کردن مساله، مثلاً چطوری میشه که جواب آزمایش مثبت میشه، یا باید دشمن خارجی مسمومش کرده باشه یا مخالفین هم وطنش مسمومش کرده باشن یا بعد از مرگ، آلوده شده به مواد رادیواکتیو.

حالا برای هرکدوم از این زاویه‌های دید سوال‌هایی می‌پرسیم، سوال‌های هدفمند می‌پرسیم، چه شرایطی باید فراهم باشه که ایده من محتمل‌تر بشه؟ یا نه برعکس! چه شواهدی داشته باشیم میتونیم این فرض یا زاویه دید رو بذاریم کنار و حذفش کنیم.

مثلاً فرضیه اول میگه دشمن خارجی مسمومش کرده، اولاً باید فکر کنیم دشمن اصلاً دسترسی به پلوتونیم داره؟ دوماً آیا دشمن در اون مقطع واقعاً می‌خواست که عرفات بمیره؟ سوماً آیا دشمن اصلاً توان اجرای این برنامه‌ها رو داره؟

برای هرکدوم از این سوالها میتونیم بگردیم دنبال شواهد و اطلاعاتی که یه مقدار درکمون رو از مساله بیشتر کنیم؛ این بررسی تفاوت داره با یهوزدن به دل جنگل، میدونیم دنبال چی داریم میگردیم، هدفمند درختها رو نگاه می‌کنیم، این کار میشه خرد کردن مساله به سوال‌های کوچکترو جواب اونها رو پیدا کردن، این روشی هست که سوپرفورکسترها استفاده می‌کنند؛ انقدر سوال رو میشکنی تا میرسی به سوالهایی که احتمالاً بتونیم جواب نزدیکی برای مساله اصلی پیدا کنیم، از مجموع اینها به یک درک تقریبی مناسبی از موضوع میرسیم و پیشبینی رو شکل میدیم.

یه مثال دیگه هم از کتاب بزنیم، در ماه جولای ۲۰۱۵ یک مدت کمی بعد از حمله تروریستی به مجله شارلی ابدو در فرانسه، در تورنومنت‌ها سوال کردند که آیا بین ۲۱ ژانویه و ۳۱ مارچ، اسلام‌گراهای افراطی در فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند، دانمارک، اسپانیا، پرتغال و ایتالیا حمله تروریستی می‌کنند یا نه! بین دو تاریخ مشخص بین این کشورها. چطوری میشه همچین موضوع گسترده‌ای رو پیشبینی کرد؟ یادمون باشه تابستون ۲۰۱۵ همه رسانه‌ها پر از خبرهای داعش و گروههای اسلام‌گرا تندرو بودند و مخاطب رو وسوسه می‌کردند که این گروهها دوباره به مناطقی از اروپا حمله می‌کنند.

کتاب باز توضیح میده در این مورد سوپرفورکسترها چی کار می‌کردند، یکی از اونها که فقط کارش برنامه‌نویسی بود به دنبال این رفت که لیست حمله‌های این گروهها رو از سایت ویکی‌پدیا دربیاره و فهمید که این گروهها در ۵ سال گذشته ۶ بار به این کشورها ذکر شده حمله کردند. خب ۵ سال، ۶ تا حمله میشه متوسط سالی ۱/۲ حمله؛ این میشه یه زاویه دید بیرونی با تخمین خیلی غیردقیق برای شروع کار، حالا ولی می‌خواست یه زاویه دید دیگه رو امتحان کنه این که بعد از حمله به شارلی ابدو اقدامات امنیتی خیلی شدید شده و این باعث میشه که احتمال حمله جدید پایینتر بیاد؛ این شد زاویه دوم.

یه زاویه دید دیگه هم این هست که در چند سال گذشته داعش خیلی رشد کرده و کلی هم، از مسلمانان اروپایی عضو گرفته و همواره تهدید کرده که میخواد در اروپا حمله تروریستی بکنه، پس نتیجه میگیریم این وضعیت آمار رو نمیتونیم توی ۵ سال گذشته نگاه کنیم و از ۲۰۱۰ به بعد آمار خیلی عوض شده.

بعد یه زاویه دید دیگه رو در نظر گرفت که بر اثرش نرخ حمله‌ها بالاتر میرفت و به ۱/۸ حمله در سال میرسید. خلاصه همین ۱/۸ حمله در سال رو در پیشبینی‌هاش در نظر گرفت، بعد دید ۶۹ روز تا پایان دوره پیشبینی مونده و تقسیمش کرد به ۳۶۵ روز سال و ضرب کرد در ۱/۸ که شد ۰/۳۴ یا ۳۴ درصد؛ این عدد رو ثبت کرد به عنوان جواب. یعنی یه تخمین اولیه و پایه‌ای حساب کرد بعد زاویه دیدهای مختلف به شرایط اولیش اضافه کرد و تخمینش رو دقیقتر کرد و همینطور پیش رفت. این روش خیلی فرق میکنه با روشی که ممکنه ما جواب بدیم به این سوال، اگر من بخوام این سوال رو جواب بدم ممکنه که بگم نه آقا حمله تروریستی نمیشه یا ممکنه بگم میشه آقا میزنن، حمله می‌کنند، این مدل پیشبینی به درد باد هوا میخوره! اما اگر از زوایای مختلف هدفمند نگاه کنیم و تا جای ممکن از عدد و رقم کمک بگیریم به درد میخوره. این یک مثال واضح هست که چطوری میشه زوایای دید مختلف رو ترکیب کرد و نتیجه گرفت...